داکتر عباس آزادیان

خشونت

قسمت شانزدهم

تأثیرات روحی و روانی خشونت در خانواده

در آبگیر راکد جسمش
موجی ز اضطراب نهفته ست،
وز آنچه رفته بر دل آماس کرده اش
هرگز یک از هزار نگفته است.

مهستی بحرینی - گیسو سیاه خواهد من شب از کتاب دیدار با روشنایی

تاثیر بیماری اضطراب بعد از سانحه بر عملکرد افرادی که دچار این بیماری شده اند تا چه حد است؟ آیا علی رغم علایم بیماری که به آن اشاره شد این زنان میتوانند به زندگی عادی خود ادامه بدهند و کم و بیش، کارهای معمولی زندگی را انجام بدهند؟

در مطالعه ای به مقایسه ۲۳۰ بیمار که دچار افسردگی شده بودند و ۵۹ بیمار که دچار اضطراب بعد از سانحه شده بودند پرداخته شد. بیمارانی که در مرحله ای از زندگی خود دچار بیماری اضطراب بعد از سانحه بودند بیشتر دست

به خودکشی زدند. این گروه بیماران، احساس افسردگی میکردند، بدون در نظر گرفتن عواقب رفتارهای خود دست به اعمال نا خودآگاه[1] میزدند و به دلیل عدم کنترل بر اعصاب خود بیشتر با دیگران درگیری[2] داشتند.[3]

در همین رابطه در مطالعه ای دیگر در ۵ ایالت مختلف آمریکا به بررسی زنانی که مورد خشونت قرار گرفته بودند پرداخته شد. در یک گروه ۱۵۹ نفر و در گروه دیگر ۳۳ زن مورد مطالعه قرار گرفته بودند. در یک گروه ۶۲ درصد و درگروه دیگر ۶۰ درصد زنان دچار بیماری "اضطراب بعد از سانحه" شده بودند. شایعترین عوارض گزارش شدهٔ این بیماری شامل خوابهای ترسناک، افکار مداوم و آزار دهنده در رابطه با خشونت، تلاش مداوم برای فکر نکردن به خشونت و تحریک پذیری عصبی بود.[4]

این سؤال مطرح میشود که آیا عوارض خشونت و بیماریهای ناشی از آن عملکردهای اساسی تر مغز را هم تغییر میدهد یا نه. در مطالعه ای که به بررسی این موضوع میپرداخت نشان داده شد که زنانی که مورد آزار همسرانشان قرار گرفته بودند مشکلات حافظه ای بیشتری داشتند که شامل مشکل حافظهٔ کاری[5]، حافظهٔ بصری[6] و فعالیتهای مدیریتی مغز[7] میشد. در ضمن کسانی که مورد آزار قرار گرفته بودند در کارهائی که نیازمند به سرعت عمل بود، و یا احتیاج به تمرکز شنوایی دراز مدت[8] و حافظهٔ کاری قوی داشت و یا نیازمند به توان خودداری از واکنش بود[9] عمل کرد ضعیفتری داشتند.[10]

مطالعات متعدد دیگری نشان میدهد که زنانی که مورد خشونت قرار میگیرند از درصد بالاتری از کار افتادگی شغلی رنج میبرند و دچار سردردهای میگرنی، دردهای مزمن، زخم معده، یبوست و غیره میشوند. در مطالعه ای در ایالت اوهایوی آمریکا زنانی که در معرض آزار مداوم بودند با زنانی که هیچگاه مورد آزار قرار نگرفته بودند و یا زنانی که در گذشته مورد آزار همسرانشان قرار گرفته بودند مقایسه شدند.[11] این مطالعه نشان داد که عوارض "بیماری بعد از سانحه" در دو گروهی که مورد آزار قرار گرفته بودند بسیار شایع بود. مسأله مهمتری که این مطالعه نشان داد دراز مدت بودن عوارض خشونت است. هر چند زنانی که در گذشته مورد آزار همسرانشان قرار گرفته بودند به طور متوسط ۹ سال از آن رابطهٔ خشونت آمیز دور بودند اما هنوز از عوارض بیماریهای اضطرابی رنج میبردند.

به عوارض روحی و روانی خشونت اشاره کردم. آیا خشونت عوارض جسمی- بدنی هم در پی دارد؟ آیا غیر از جراحات مستقیم ناشی از ضربه خوردن، عوارض فیزیکی- جسمی دیگری هم در زنان خشونت دیده میتوان مشاهده کرد؟

---

[1] Impulsivity
[2] Hostility
[3] Oquendo M, et al. Posttraumatic Stress Disorder comorbid with major depression: factors mediating the association with suicidal behavior. Am J Psychiatry 2005 Mar; 162(3):560-6.
[4] Posttraumatic stress symptoms profiles of battered women: a comparison of survivors in two settings. Violent Act. 1994 Spring;9(1):31-44
[5] Working memory
[6] Visoconcentration
[7] Executive function
[8] Sustained auditory attention
[9] Response inhibition
[10] Stein MB, et al. Neuropsychological function in female victims of intimate partner violence with and without posttraumatic stress disorder. Biol Psychiatry 2002 Dec;52(11):1079-88
[11] Woods SJ. Prevalence and patterns of posttraumatic stress disorder in abused and post abused women. Issues Ment Health Nurs. 2000 Apr-May; 21(3):309-24

در مطالعه ای در ایالت تگزاس و در میان ۱۱۵۲ زن که بعضی خشونت خانوادگی را تجربه کرده بودند و بعضی چنین تجربه ای نداشتند به بررسی بیماریهای روحی و روانی پرداختند.[۱۲] ۵۴ درصد این زنان به نوعی مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته بودند و ۲۴ درصد آنها در زمان این بررسی در رابطه ای خشن درگیر بودند. زنانی که در گذشته و یا در حال مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته بودند بیشتر از ۲ برابر در معرض ابتلا به ناتوانی و از کار افتادگی بودند. نکتهٔ مهم این مطالعه این بود که بسیاری از این زنان به بیماریهای جسمی و فیزیکی شامل ناراحتیهای قلبی و عروقی (۴.۹%) درد کمر (۳.۵%)، دردهای مزمن (۳.۴%) و بیماریهای مفاصل و تنفسی و غیره دچار بودند. به طور مثال زنانی که در مقطعی از عمر خود مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته بودند بیشتر از ۲۰۵ برابر از دردهای مزمن[۱۳] رنج میبردند.

در مطالعه ای دیگر رابطه بین سرطان دهانهٔ رحم و تجربهٔ خشونت مورد بررسی قرار گرفت.[۱۴] زنانی که مورد خشونت خانوادگی قرار گرفته بودند بیشتر از ۴۰۰ درصد در خطر سرطان دهانهٔ رحم بودند. خطر این سرطان در زنانی که مورد خشونت جنسی و یا فیزیکی قرار گرفته بودند بیشتر بود تا زنانی که تنها مورد خشونت روحی- روانی واقع شده بودند. زنانی که دچار سرطان بودند مدت طولانیتری در روابط نا هنجار زندگی کرده بودند، بیشتر مورد خشونت فیزیکی و یا جنسی قرار گرفته بودند و در نتیجهٔ خشونت تجربه شده بیشتر دچار جراحت شده بودند. علت این افزایش خطر سرطان مشخص نیست و ممکن است دلایل روحی- روانی داشته باشد – مثل ناتوانی سیستم ایمنی و یا تغییرات شیمیایی ناشی از استرس- و یا به دلیل انتقال ویروسهای سرطانزا هنگامی که زن مورد آزار قرار میگیرد، باشد.

تاثیر خشونت روحی اگر همراه با خشونت فیزیکی و جنسی نباشد چگونه است؟ آیا خشونت روحی تنها هم میتواند باعث عوارض مختلف بشود؟ گروه دانشگاه تگزاس- کارولینای شمالی به بررسی این مسأله پرداختند.[۱۵] در میان ۱۱۵۲ زن، ۱۳/۶ درصد تنها مورد خشونت روحی- روانی قرار گرفته بودند بدون اینکه مورد خشونت جسمی و یا جنسی قرار گرفته باشند.

اشاره کردم که آزار روحی- روانی هم تاثیرات عمیق و دراز مدتی در فرد آزار دیده دارد. در مطالعه ای که ۶۷۹۰ زن و ۷۱۲۲ مرد را شامل میشد ۲۸/۹ درصد زنان و ۲۲/۹درصد مردان گفتند که در خانواده مورد خشونت به وسیلهٔ همسرانشان قرار گرفته اند و مورد خشونت جنسی، جسمی و یا روحی قرار گرفته اند.[۱۶] زنان بیشتر از مردان مورد آزار فیزیکی و یا جنسی قرار گرفته بودند و یا احساس کرده بودند تحت کنترل و انقیاد هستند ولی کمتر از مردان مورد آزار کلامی قرار گرفته بودند. این مطالعه نشان میدهد که چه زنان و چه مردانی که مورد آزار جسمی قرار گرفته اند از سلامتی جسمی پائین رنج میبرند، بیشتر دچار افسردگی هستند، بیشتر از مواد مخدر استفاده میکنند و بیشتر دچار بیماریهای مزمن روحی و جسمی میشوند. نکته ای که در این مطالعه بسیار اهمیت دارد این یافته است که میزان بالاتر خشونت روحی- روانی با ناراحتیهای جسمی و روحی فوق الذکر قویتری پیوند

---

[12] Coker Al., et al, Intimate partner violence and disability among women attending family practice clinics. J. Womes's Health 2005 Nov; 14(9):829-38

[13] Chronic Pain

[14] Coker Al. et al. Intimate Partner violence and cervical neoplasia. J. Women's Health Gend Based Med. 2000 Nov; 9(9): 1015-23

[15] Coker Al, et al. Physical health consequences of physical and psychological intimate partner violence. Arch Fam Med. 2000 May; 9(5):451-7

[16] Coker Al, et al. Physical and mental health effects of intimate partner violence for men and women. Am J Prev Med. 2002 Nov; 23(4):260-8

داشت تا میزان خشونت فیزیکی. این مطالعه خود بر تاثیرات عمیق و ناگوار خشونت روحی- روانی تأکید میکند و ضرورت مبارزه با آن را برجسته میکند. قبلاً هم به مطالعه ای اشاره کردم که در اسپانیا صورت گرفته بود و نشان داد که تاثیرات آزار روحی-عاطفی به اندازهٔ آزار فیزیکی مخرب است و اثرات عمیقی به جا میگذارد و بیماریهای متعدد روحی- روانی را باعث میشود.

مطالعات متعددی که به آنها اشاره کرده ام شکی باقی نمیگذارد که هر نوع خشونت (روحی- روانی، فیزیکی و یا جنسی) تاثیرات عمیق و قابل توجهی در پی دارد. این عوارض تا سالیان سال ادامه پیدا میکند. هر چه شدت خشونت بیشتر باشد این عوارض بیشتر است و هر چه خشونت تازه تر باشد این عوارض شدیدتر میباشند. آیا این مطالعات شکی در این مسأله باقی میگذارد که باید با هر نوع خشونتی در خانواده مبارزه شود و به وجود هر نوع خشونتی در خانواده پایان داده شود؟ اجازه بدهید به مطالعه ای دیگر هم اشاره کنم تا آنهایی که هنوز در این مورد شک دارند بتوانند بیشتر در مورد این مسأله فکر کنند. توجه کنید که در این مطالعه تعداد افراد شرکت کننده بسیار زیاد میباشد و این موضوع ارزش مطالعه را بیشتر میکند. در این مطالعهٔ گسترده محققان به بررسی آمار و جنبه های خشونت خانوادگی پرداختند.[۱۷] این محققان در میان ۱۹۵۲ زنی که مورد بررسی قرار دارند به نتایج زیر رسیدند:

- هر سال از هر ۲۰ زن (۵.۵ درصد) یک نفر مورد خشونت خانوادگی قرار میگیرد.
- یک زن از ۵ زن (۲۱.۴ درصد) در دوران بلوغ مورد خشونت خانوادگی قرار میگیرد.
- یک زن از هر ۳ زن (۳۲.۷) درصد) در مقطعی از زندگی خود (کودکی و یا بعد از دوران بلوغ) مورد خشونت خانوادگی قرار میگیرند.
- زنانی که مورد خشونت خانوادگی قرار میگیرند از عوارض فیزیکی متعددی رنج میبرند.
- زنانی که مورد خشونت خانوادگی قرار میگیرند بیشتر دچار انواع و اقسام بیماریهای روحی- روانی شامل اضطراب، افسردگی، بیماریهای جسمی-روانی[۱۸] و حساسیتهای بی مورد در روابط خود میشوند،
- این زنان بیشتر از مواد مخدر و الکل استفاده میکنند.
- این زنان در روابط جدید خود بیشتر با کسانی ارتباط ایجاد میکنند که از مواد مخدر و الکل استفاده میکنند.
- این زنان بیشتر دست به خودکشی زده اند.
- و بالاخره این زنان بیشتر از اورژانس بیمارستانها استفاده میکنند.

[17] Mccauley J, et al. The “battering Syndrome”: prevalence and clinical characteristic of domestic violence in primary care internal medicine practices. Ann Intern Med. 1995 Nov 15’123(10):737-46
[18] Somatization